

نشریه توانمندسازی کودکان استثنایی

سال دوازدهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۴، بهار ۱۴۰۰
صفحه ۱۱-۱

DOI: 10.22034/CECIRANJ.2021.234242.1397

بررسی رابطه خودارزشمندی اجتماعی و خودارزشمندی با اختلال تنظیم هیجانی در نوجوانان: نقش تعدیل گر جنسیت

روشنک خدابخش پیرکلانی* ✉
نرگس انسانی مهر**
لاله انسانی مهر***
رضا نبی زاده****

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه عملکرد انعکاسی با همدلی و ذهن آگاهی در دختران نوجوانان بود. پژوهش حاضر کاربردی، از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر تهران با دامنه سنی بین ۱۵ تا ۱۸ سال بود که در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند. از بین این افراد ۱۶۷ دانش آموز از منطقه ۱۲ شهر تهران از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه عملکرد انعکاسی نوجوانان (RFQ-Y) و مقیاس‌های ذهن آگاهی (MAAS) و همدلی و همدردی نوجوانان (AMES) پاسخ دادند. نتایج از طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که ذهن آگاهی ($r=۴۳۴$)، همدلی ($r=۴۳۹$) و مؤلفه‌های آن شامل همدلی شناختی ($r=۳۱۳$)، همدلی عاطفی ($r=۲۴۴$) و همدردی ($r=۱۹۷$) با عملکرد انعکاسی رابطه مثبت و معنادار دارند. همچنین مشخص شد، ذهن آگاهی با همدلی ($r=۲۴۵$) نیز رابطه مثبت و معنادار دارد. از بررسی همبستگی بین همدلی و عملکرد انعکاسی، فقط مؤلفه همدلی شناختی می‌تواند عملکرد انعکاسی نوجوانان را به صورت معناداری پیش‌بینی کند. همچنین ذهن آگاهی، می‌تواند به صورت معناداری تغییرات عملکرد انعکاسی نوجوانان را پیش‌بینی کند. براساس نتایج پژوهش حاضر، تلاش جهت بهبود همدلی و ذهن آگاهی، می‌تواند منجر به رشد و افزایش ظرفیت انعکاسی نوجوانان شود. در نتیجه متخصصان و مشاوران علاقه‌مند به حوزه مداخله، می‌توانند بر پایه نتایج به دست آمده مداخله‌هایی را جهت بهبود ظرفیت انعکاسی نوجوانان تدارک و اجرا کنند.

واژه‌های کلیدی:

ذهن آگاهی، عملکرد انعکاسی، نوجوانان، همدلی

* دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

** دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

**** کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است، این دوره از رشد بین سنین ۱۰ تا ۱۹ سال قرار دارد و در این دوره نوجوان به سمت استقلال می‌رود و برای بسیاری از نوجوانان دوره «طوفان و استرس» است. نوجوانی دوره‌ای از ایجاد تغییرات جسمی، شناختی، اجتماعی-عاطفی و همراه با پویایی و هیجان بسیار است که تحولات عظیمی طی آن رخ می‌دهد (بالتیس و شای، ۲۰۱۳). باوجوداینکه اکثر نوجوانان به صورت طبیعی این دوران را طی می‌کنند در دهه‌های اخیر تغییرات گوناگون در کودکان و نوجوان موردتوجه بیشتری قرار گرفته است زیرا در مواردی به مشکلاتی جدی‌تر بدل می‌شوند و اگر چنین مشکلاتی با اختلالات گوناگون مانند اختلالات هیجانی^۲ همراه شوند، پیامدهای منفی بیشتری خواهند داشت (عثمانی و شکر، ۱۳۹۸). اختلالات هیجانی بین کودکان و نوجوانان بسیار رایج می‌باشد و بیش از ۲۰٪ دانش‌آموزان مدارس عادی، مشکلات هیجانی به‌خصوص اضطراب فراگیر را نشان می‌دهند و این اختلالات عواقب روانی-اجتماعی گوناگونی را در پی دارد (سلرز^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

اختلالات هیجانی چندین ملاک مختلف دارد به‌عنوان مثال این اختلالات همراه با هیجان‌های منفی شدید و مکرر است، واکنش اجتنابی به محرک هیجانی خود موجب کاهش کنترل و ارزیابی درست هیجان می‌شود و فرد درگیر تلاش برای تضعیف، فرار یا اجتناب و یا پیشگیری از بروز و آغاز حالات هیجانی است. همه افراد به‌صورت آشکار و پنهان در تلاش هستند که روی مسیر تجربه هیجان‌اتشان تأثیر بگذارند، از این رو تعجب ندارد که ارزیابی‌های منفی احساسات با عدم تمایل به تجربه حالات هیجانی همراه است و سپس خود را در قالب رفتارها نشان می‌دهد و افراد از راهبردهای گوناگونی برای کنترل هیجان‌ات خود بهره می‌گیرند (بولیس، بوچر، سار-زاولا، فارچون و بارلو^۴، ۲۰۱۹). بسیاری از مشکلات و اختلالات هیجانی و همچنین رفتارهای غیرانطباقی و آسیب‌زا که ناشی از تکانشگری، بازداری زدایی با میل به خطرپذیری هستند، از عدم توانایی در تنظیم هیجان‌ات نشأت می‌گیرد و این امر یعنی توانایی تنظیم هیجان‌ات به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی از جمله مهارت‌های حیاتی و لازم است (ویس، سالیوان و تول^۵، ۲۰۱۵). توانایی تنظیم هیجان در دوران کودکی شروع شده و به‌طور پیوسته‌ای در سراسر زندگی تحول می‌یابد و مکانیزمی است که در تحول و حفظ این اختلالات نقش مهمی دارد.

تنظیم هیجان شامل گستره‌ای از راهبردهای شناختی و رفتاری آگاهانه یا ناآگاهانه است که جهت کاهش، حفظ یا افزایش یک هیجان به کار می‌رود و این موضوع را که شخص چه هیجان‌هایی را در چه زمان‌هایی داشته و چگونه آن‌ها را تجربه و بیان می‌کند تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین، تنظیم هیجان به‌عنوان ظرفیت تأثیر گذاشتن بر تجربه و بیان هیجان خود تعریف می‌شود و مهارتی پیچیده است که در سرتاسر عمر تحول می‌یابد (سپهوند و مرادی، ۱۳۹۷). به‌علاوه نوجوان با هوش هیجانی بالا که عاملی مهم برای تنظیم هیجان‌ات است، با وقایع استرس‌آمیز بهتر مقابله خواهند کرد و احساساتشان را به نحو درستی بروز خواهند داد و حالات خلقی خود را نیز به‌صورت صحیحی تنظیم می‌کنند درحالی‌که عدم برخورداری از این توانایی می‌تواند انواع اختلالات هیجانی را ایجاد کند (گلستان، صارمی خامنه و زرغامی، ۱۳۹۷).

با توجه به مشکلاتی که اختلال تنظیم هیجان با خود به همراه دارد، عواملی وجود دارند که در بهبود این اختلال مؤثر هستند، خودارزشمندی^۶ از جمله عواملی است که می‌تواند باعث بهبود عملکرد نوجوانان با اختلال تنظیم هیجانی شود و از طرفی با افزایش عزت‌نفس می‌تواند به بهبودی نسبی این افراد نیز کمک کند (بوید و همکاران، ۲۰۱۸). خودارزشمندی مرتبط به ارزش‌های شخصی هستند و به‌عنوان شاخصی که سازگاری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی را بازنمایی می‌کند، تعریف می‌گردد و از آنجایی که افزایش خودارزشمندی احساس خوبی ایجاد می‌کند وقتی افراد در یک حوزه خاص برای افزایش خودارزشمندی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، هدف آن‌ها افزایش موفقیت و عدم شکست در آن حوزه است و بنابراین خودارزشمندی انواع مختلفی از رفتار و میزان زمان صرف شده در آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند (کانات-مایمون، آلموگ، کوهن و آمیچی-هامبرگر^۷، ۲۰۱۸)، بنابراین افرادی که خودارزشمندی بالایی در زمینه خاص نشان می‌دهند معمولاً شکست در آن حوزه واکنش شدیدی را در آن‌ها برمی‌انگیزد به‌عنوان مثال دانش‌آموزانی که بر روی شایستگی تحصیلی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، وقتی مشکلات تحصیلی بروز می‌کند و یا نتایج منفی در تحصیلات حاصل می‌شود، عزت‌نفس پایین‌تر، نشانگان افسردگی و به‌طورکلی تأثیرات منفی را متحمل می‌شوند (پارک، سانچز و برینیلسن^۸، ۲۰۱۱). در مطالعه دیگری نیز خودارزشمندی را منبعی مهم و حیاتی می‌دانند که میزان گرایش نوجوانان به انواع اختلالات هیجانی را

6. Self-Worth
7. Kanat-Maymon, Almog, Cohen & Amichai-Hamburger
8. Park, Sanchez & Brynildsen

1. Baltes & Schaie
2. Emotional Disorders
3. Sellers
4. Bullis, Boettcher, Sauer-Zavala, Farchione & Barlow
5. Weiss, Sullivan & Tull

شرایط استرس‌زا راحت‌تر عبور می‌کند. در واقع، مفهوم اصلی خودآثرمندی اجتماعی به باورهای افراد مبنی بر اینکه آن‌ها قادر به برقراری ارتباط اجتماعی و ایجاد دوستی جدید هستند، اشاره دارد؛ بنابراین اگر نوجوانان بتوانند خودآثرمندی اجتماعی خود را افزایش دهند احساسات و هیجانات منفی آن‌ها کاهش پیدا می‌کند (سای، وانگ و وی، ۲۰۱۷). از آنجایی که نوجوانی بهترین دوران برای کشف خود درونی افراد است و در این زمان مسئولیت‌های رشد یافته تری را می‌پذیرند، خودآثرمندی اجتماعی یک مؤلفه محافظتی است که موجب تقویت رشد و عملکرد اجتماعی در دوران نوجوانی می‌شود علاوه بر این، اعتقاد بر این است که خودآثرمندی اجتماعی در سازگاری روان‌شناختی و بهزیستی روانی یک فرد تأثیر زیادی دارد (آرموم و چلایپن، ۲۰۱۶) و به‌طور کلی پیش‌بینی کننده عملکرد فرد در بزرگسالی، درک او از شکست و موفقیت و برخورد هیجانی با این شکست و موفقیت‌ها و روابط با همسالان است و همچنین خودآثرمندی پایین در اختلالاتی مانند اضطراب اجتماعی، افسردگی و... که هیجانات در آن‌ها مختل هستند، گزارش شده است (اولنیک-شمش و هیمن، ۲۰۱۷). در پژوهش دیگر نیز بیان شد که خودآثرمندی اجتماعی می‌تواند پیش‌بینی کننده رفتار، هیجانات، انتظارات و مقاصد باشد و هرگونه نقص در خودآثرمندی اجتماعی اختلال در سلامت روان و انواع اختلالات هیجانی را موجب می‌شود (عبدل-خالک و لستر، ۲۰۱۷).

از طرفی یکی دیگر از اهداف پژوهش حاضر بررسی نقش جنسیت بر خودآثرمندی اجتماعی و همچنین خودآثرمندی است. به عبارتی قصد دارد ارتباط مفهومی بین خودآثرمندی اجتماعی و خودآثرمندی در رابطه با اختلال تنظیم هیجان با نقش تعدیل گر جنسیت تبیین کند. پژوهش‌های سالورا، یوسان و جاری، ۲۰۱۷؛ هانگ، ۲۰۱۳، بر نقش جنسیت روی خودآثرمندی اجتماعی تأکید کرده‌اند و پژوهش‌های وانگ، کروکت، سانچز و سوان، ۲۰۱۳؛ بورول و شرک، ۲۰۰۹، نیز بر نقش جنسیت روی خودآثرمندی صحنه گذاشته‌اند و روشن می‌سازد که دختران و پسران از چه الگوهای استفاده و چه کمیتی از خودآثرمندی و خودآثرمندی اجتماعی را تجربه می‌کنند. از این رو نقش تعدیل گر جنسیت می‌تواند از پیچیدگی روابط بین این متغیرها بکاهد.

حال با توجه به پیامدهای نامطلوبی که اختلال تنظیم هیجان از نظر روان‌شناختی بر روی نوجوانان دارد و به‌طور گسترده‌ای

نشان می‌دهد. خودآثرمندی بر این اساس تکیه دارد که مردم با توجه به تجارب فردی و اجتماعی خود، در می‌یابند که موقعیت‌های زندگی چگونه شرایطی برای موفقیت یا شکست آن‌ها فراهم می‌کند. با توجه به تجارب موجود در زندگی، هرچقدر افراد قدر و منزلت و بهای وجودی خود را بهتر و بیشتر بدانند، به همان نسبت اعتماد به خویشتن در آن‌ها افزوده شده و در نهایت از عزت‌نفس بالایی بهره‌مند خواهند بود (بریگانتی، فراید و لینوفسکی، ۲۰۱۹). خودآثرمندی عاملی است که ارتباط محکمی با سطح تاب‌آوری نوجوانان دارد و افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند، از خودآثرمندی بالایی نیز برخوردارند و در سنین پایین‌تر هوش هیجانی و توانایی تنظیم هیجان از جمله عواملی هستند که خودآثرمندی دانش آموزان را پیش‌بینی می‌کنند (رحمان، امجد و لیلای، ۲۰۱۹) و تنظیم هیجان و خودآثرمندی هر دو عواملی هستند که تفاوت‌های هیجانی مثبت و منفی و وضعیت تحصیلی دانش آموزان را پیش‌بینی می‌کند (امیری، قاسمی نواب و جمالی، ۱۳۹۷)

عامل دیگری که با اختلال تنظیم هیجان در ارتباط است، خودآثرمندی^۳ می‌باشد و اشاره به درک و تصور فرد از توانایی‌اش در انجام کارها دارد. خودآثرمندی بیان می‌دارد که انگیزه، رفتار و عملکرد افراد تحت تأثیر قضاوت‌ها مربوط به توانایی خود در اجرای موفقیت‌آمیز یک رفتار یا کار خاص است و نوجوانانی که دارای خودآثرمندی بالایی در انجام امور مختلف زندگی هستند به احتمال زیاد در مواجهه با موانع پایدارتر هستند و این امر منجر به تلاش و کوشش بیشتر، پیشرفت مهارت‌ها و در نتیجه موفقیت خواهد شد و هنگامی که خودآثرمندی به سطح محکم و قابل قبولی برسد، شکست‌های مداوم و ثابت اتفاق نمی‌افتد زیرا این شکست‌ها به دلیل عدم تلاش کافی و کمبود انگیزه شکل می‌گیرد که یکی از دلایل آن ناشی از خودآثرمندی پایین است (پروبیست، ۲۰۱۹) و این افراد با خودآثرمندی پایین تحت تأثیر واکنش همسالان و دوستان به سمت پرخاشگری، خشونت، قلدری و سایر رفتارهای منفی سوق پیدا می‌کنند و دلیل اصلی آن هم عدم مهارت لازم برای تنظیم هیجان خود در زمینه‌های مختلف زندگی است (تاک^۵ و همکاران، ۲۰۱۷). خودآثرمندی اجتماعی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های خودآثرمندی، موجب ایجاد شایستگی‌های اجتماعی در فرد می‌شود و وی را از آشفتگی‌های هیجانی مانند افسردگی و احساس تنهایی می‌رهاند و فرد با استفاده از آن از

8. Olenik-Shemesh & Heiman

9. Abdel-Khalek, M & Lester

10. Salavera, Usan & Jarie

11. Huang

12. Kwang, Crockett, Sanchez & Swann

13. Burwell & Shirk

1. Briganti, Fried & Linkowski

2. Rehman, Amjad & Laila

3. self-efficacy

4. probst

5. Tak

6. Tsai, Wang & Wei

7. Armum & Chellappan

خدائی، شایستگی علمی، تقوی و پرهیزگاری و موافقت از سوی دیگران است. پاسخ‌ها در این مقیاس از شدیداً مخالفم (۱) تا شدیداً موافقم (۷) درجه‌بندی شده است دامنه نمره این پرسشنامه بین ۳۵ تا ۲۴۵ است. هر چه نمره حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بیشتر خودارزشمندی خواهد بود و بالعکس. در پژوهش کروکر و همکاران (۲۰۰۳) پایایی این مقیاس ۰/۸۲ ارزیابی شد و در ایران نیز پژوهش بهادری خسروشاهی، حبیبی کلیبر و فرید (۱۳۹۶) که بر روی دانش آموزان پسر متوسطه دوره دوم انجام شد، پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش شد (بهادری، حبیبی کلیبر و فرید، ۱۳۹۶). پایایی پرسشنامه حاضر در این پژوهش، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۴ گزارش شد.

۲. پرسشنامه خوداثرمندی اجتماعی^۳ (SSQ): پرسشنامه خود اثرمندی اجتماعی نوجوان در سال ۱۹۸۹ توسط کنلی^۴ برای سنجش میزان خوداثرمندی نوجوانان تدوین شد. این پرسشنامه دارای ۲۵ گویه است و عملکرد و فعالیت اجتماعی نوجوان را در یک طیف لیکرتی بررسی می‌کند و آزمودنی در یک طیف هفت درجه‌ای از غیرممکن (۱) و بیش‌ازحد ساده (۷) به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. دامنه نمره این پرسشنامه بین ۲۵ تا ۱۷۵ است و نمره بالاتر خوداثرمندی اجتماعی بالاتر را نشان می‌دهد. در پژوهش کنلی (۱۹۸۹) پایایی این مقیاس ۰/۷۷ ارزیابی شد و در ایران، رضائی، مصطفایی و خانجانی، در پژوهشی ضمن سنجش روایی صوری و محتوایی این ابزار، پایایی پرسشنامه خوداثرمندی اجتماعی نوجوانان را با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه کردند که مقدار آن برابر با ۰/۸۲ بوده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳). پایایی پرسشنامه حاضر در این پژوهش، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۷۸ گزارش شد.

۳. پرسشنامه اختلال تنظیم هیجان^۵ (DERS): اختلال تنظیم هیجانی یک شاخص خود گزارشی است که برای ارزیابی اختلالات موجود در تنظیم هیجانی به شکل جامع‌تری نسبت به ابزارهای موجود در این زمینه ساخته شده است و دارای ۳۶ سؤال می‌باشد (گراتز و رومر^۶، ۲۰۰۴). نمره‌گذاری آن از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی هرگز (۰) و همیشه (۵) تبعیت می‌کند، دامنه نمره بین ۳۶ تا ۱۸۰ است، هر چه نمره بالاتر باشد به معنای اختلال هیجانی بیشتر است. گراتز و رومر (۲۰۰۴) پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۸ گزارش نمودند. در پژوهش شعبانی خدیو (۱۳۹۳)، برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ی اختلال تنظیم هیجانی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برابر با ۰/۷۷ بود که بیانگر ضرایب قابل قبول پرسشنامه‌ی مذکور بود.

زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد و همچنین لزوم بررسی عواملی که می‌توانند نقش قابل توجهی در بهبود و کنترل اختلالات تنظیم هیجان ایفا کنند، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند برای استفاده متخصصان، روانشناسان و معلمانی که با نوجوانان اختلال تنظیم هیجانی برخورد دارند مفید باشد. تشخیص و ارزیابی دقیق و موشکافانه این نوجوانان و بررسی عوامل اثرگذار و بهبودبخش بر این‌گونه اختلالات، می‌تواند اهمیت بسیاری برای این نوجوانان داشته باشد؛ اما تاکنون پژوهشی ارتباط بین خوداثرمندی اجتماعی، خودارزشمندی با اختلال تنظیم هیجان به شکل منسجم و پیوسته مطالعه نشده است و نقش تعدیل‌گر جنسیت نیز در این رابطه به‌ندرت موردپژوهش قرار گرفته است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر این است که ارتباط بین خوداثرمندی اجتماعی و خودارزشمندی با اختلال تنظیم هیجان در نوجوانان را بررسی کند و در این بین نقش تعدیل جنسیت نیز مطالعه خواهد شد.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و روش مطالعه همبستگی می‌باشد و جامعه آماری کلیه دانش آموزان مقطع دبیرستان دوره دوم در نیمسال دوم تحصیلی سال ۱۳۹۸-۹۹ منطقه ۱ و ۲ شهر تهران بود. از این میان جامعه آماری پژوهش حاضر، حجم نمونه با توجه به جدول مورگان ۱۶۰ نفر انتخاب شد؛ و نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند بدین‌صورت که از بین ۲۱۵ مدرسه ۶۱ مدرسه انتخاب شد از بین مدارس کلاس‌هایی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و نمونه‌ها در کلاس نیز به‌طور تصادفی وارد پژوهش شدند. ملاک ورود به پژوهش (در مقطع دبیرستان دوره دوم تحصیل کند و زیر ۱۸ سال باشد و دارا بودن اختلال تنظیم هیجان) معیار خروج از پژوهش (اختلال یا بیماری همبود و مصرف دارو) بود و به‌منظور رعایت اصول اخلاقی به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل‌شده نزد پژوهشگر محرمانه باقی خواهد ماند و رضایت تک‌تک شرکت‌کنندگان گرفته شد؛ و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل همبستگی و رگرسیون چندگانه انجام شد و از نرم‌افزار آماری SPSS23 استفاده شد.

ابزار سنجش

۱. پرسشنامه خودارزشمندی^۱ (CSWS): پرسشنامه خودارزشمندی توسط کروکر، کارپینسکی، کوین و چیس^۲ (۲۰۰۳) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۷ زیرمقیاس و ۳۵ گویه است. این ۷ مقیاس شامل زیرمقیاس حمایت خانواده، سبقت و رقابت‌جویی، ظاهری و جسمانی، عشق

4. Connolly
5. The Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS)
6. Gratz & Roemer

1. Self-Worth Contingency Questionnaire (CSWS)
2. Crocker, Karpinski, Quinn & Chase
3. Social Self-Efficacy Questionnaire (SSQ)

قرار داشتند و همچنین بیشترین میزان پایه تحصیلی مربوط به کلاس دهم بود. در جدول (۱) شاخص‌های آمار توصیفی برای متغیرهای پژوهش، اختلال تنظیم هیجان، خود اترمندی اجتماعی و خود ارزشمندی و خرده مقیاس‌های آن آورده شده است.

پایایی پرسشنامه حاضر در این پژوهش، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۷۹ گزارش شد.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۶۰ نفر (۸۰ دختر و ۸۰ پسر) از دانش آموزان دبیرستان دوره دوم بودند و بین ۱۵ تا ۱۸ سال

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کشیدهگی	چولگی
اختلال تنظیم هیجان	۹۷/۱۰	۱۹/۶۹	-۰/۲۷	-۰/۰۵
خود اترمندی اجتماعی	۲۶/۶۲	۶/۳۸	-۰/۶۴	-۰/۲۴
خود ارزشمندی	۱۶۶/۵۶	۲۸/۶۴	-۰/۵۸	-۰/۲۶
حمایت خانواده	۲۴/۵	۵/۶۹	-۰/۴۸	-۰/۲۶
سبقت و رقابت‌جویی	۲۵/۶۱	۵/۷۴	۰/۳۳	-۰/۲۲
ظاهری و جسمانی	۲۳/۸۶	۴/۹۷	-۰/۱۲	-۰/۶۰
عشق خدائی	۲۴/۶۵	۶/۴۵	-۰/۲۲	-۰/۴۳
شایستگی علمی	۲۲/۶۷	۵/۷۴	-۰/۲۷	-۰/۴۲
تقوی و پرهیزگاری	۲۳/۳۷	۵/۳۰	-۰/۶۶	-۰/۱۵
موافقت از سوی دیگران	۲۱/۸۸	۵/۰۳	-۰/۱۴	-۰/۲۱

جدول (۲) شامل ضریب پیرسون برای متغیرهای پژوهش و نشان‌دهنده رابطه آن‌ها می‌باشد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در جدول (۱) مقادیر میانگین و انحراف معیار نشان داده شده و مقادیر چولگی و کشیدهگی نشان می‌دهد که داده‌ها توزیع نرمال دارند.

جدول ۲. ضرایب پیرسون متغیرهای پژوهش

متغیر	اختلال تنظیم هیجان	خود اترمندی اجتماعی	خود ارزشمندی	حمایت خانواده	سبقت و رقابت‌جویی	ظاهری و جسمانی	عشق خدائی	شایستگی علمی	تقوی و پرهیزگاری	موافقت از سوی دیگران
اختلال تنظیم هیجان	۱									
خود اترمندی اجتماعی		۱								
خود ارزشمندی			۱							
حمایت خانواده				۱						
سبقت و رقابت‌جویی					۱					
ظاهری و جسمانی						۱				
عشق خدائی							۱			
شایستگی علمی								۱		
تقوی و پرهیزگاری									۱	
موافقت از سوی دیگران										۱

است. بیشتر خرده مقیاس‌های پارامتر خود اترمندی رابطه معناداری با اختلال تنظیم هیجان داشته و همان‌طور که مشاهده می‌شود در این بین پارامترهای عشق خدائی، سبقت و رقابت‌جویی و همچنین حمایت خانواده با ۰/۳۲، ۰/۲۹ و ۰/۲۸

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۲) اختلال تنظیم هیجان رابطه مستقیمی با متغیرهای دیگر پژوهش یعنی خود ارزشمندی اجتماعی و خود اترمندی دارد که این مقادیر به ترتیب ۰/۴۲ و ۰/۳۲ بوده که در سطح $\alpha = ۰/۰۰۱$ معنادار

بیشترین تأثیر را بر اختلال تنظیم هیجان دارند و در سطح $\alpha = 0/001$ معنادار می‌باشد. همبستگی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	ضریب بتا	خطای استاندارد	مقدار T	مقدار P	ضریب بتا
ویژگی‌های مدل	۱۴۵/۲۵	۷/۸۰	۸/۸۶۱	۰/۰۰۱	**
خود اثرمندی اجتماعی		۰/۲۲	-۲/۲۷	۰/۰۰۱	**
خود ارزشمندی		۰/۲۰	-۲/۵۴	۰/۰۱	**
حمایت خانواده		۰/۱۸	-۲/۲۹	۰/۰۲	**
سبقت و رقابت‌جویی		۰/۲۱	-۲/۷۰	۰/۰۰۸	**
ظاهری و جسمانی		۰/۱۴	-۱/۸۵	۰/۰۷	
عشق خدائی		۰/۱۹	-۲/۳۷	۰/۰۲	**
شایستگی علمی		۰/۲۱	-۱/۱۶	۰/۲۵	
تقوی و پرهیزگاری		۰/۱۸	-۱/۶۱	۰/۱۱	
موافقت از سوی دیگران		۰/۱۲	-۰/۵۵	۰/۵۸	

در ادامه به نقش تعدیل‌گری جنسیت در رابطه‌های تأییدشده یعنی رابطه خود اثرمندی اجتماعی، خود ارزشمندی، بر اختلال تنظیم هیجان، می‌پردازیم. در جدول (۴) نتایج حاصله از نقش تعدیل‌گری جنسیت در رابطه بین خود اثرمندی اجتماعی و اختلال تنظیم هیجان بررسی شده است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۳) پارامترهای خود اثرمندی اجتماعی و خود ارزشمندی اجتماعی در مدل می‌مانند همچنین بعضی از خورده مقیاس‌های خود ارزشمندی نیز در این مدل باقی می‌مانند. خورده مقیاس‌های حمایت خانواده، سبقت و رقابت‌جویی و عشق خدایی نیز در سطح $0/05$ معنی‌دار می‌باشند.

جدول ۴. نتایج همبستگی در بررسی نقش تعدیل‌گری جنسیت در رابطه بین خود اثرمندی اجتماعی و اختلال تنظیم هیجان

مراحل مدل	متغیرها	مجدور R	تغییرات F	مقدار P	ضریب بتا
۱	ویژگی‌های مدل	۰/۲۱	۹/۳۹	۰/۰۰۱	**
	خود اثرمندی اجتماعی			۰/۰۰۱	**
	جنسیت			۰/۰۰۹	**
۲	ویژگی‌های مدل	۰/۲۱	۵/۰۶	۰/۰۰۱	**
	خود اثرمندی اجتماعی			۰/۰۲	**
	جنسیت			۰/۳۷	
	اثر هم‌زمان دو متغیر			۰/۷۸	

بهبود بخشید. پس نمی‌توان نقش این پارامتر را معنی‌دار تلقی کرد. در جدول (۵) نتایج حاصل از نقش تعدیل‌گری جنسیت در رابطه بین خود ارزشمندی و اختلال تنظیم هیجان بررسی شده است.

طبق نتایج به‌دست‌آمده با توجه به مقدار P به‌دست‌آمده ($0/78$) متغیر جنسیت در رابطه بین خود اثرمندی اجتماعی و اختلال تنظیم هیجان نقش تعدیل‌گری را ندارد و در نظر گرفتن جنسیت به‌عنوان تعدیل‌گر کمتر از ۱٪ میزان مجدور R را

جدول ۵. نتایج همبستگی در بررسی نقش تعدیل‌گری جنسیت در رابطه بین خود ارزشمندی و اختلال تنظیم هیجان

مراحل مدل	متغیرها	مقدار P	تغییرات F	تغییرات مجذور R	متغیرها	ضریب بتا
۱	ویژگی‌های مدل	۰/۰۰۱	۲۴/۲۷	۰/۲۴		۱۱۹/۸۳
	خود ارزشمندی	۰/۰۰۱				-۰/۴۶
	جنسیت	۰/۰۱۲				۷/۶۰
۲	ویژگی‌های مدل	۰/۰۰۱	۱۶/۸۶	۰/۲۸		۱۲۴/۷۸
	خود ارزشمندی	۰/۰۰۶				-۰/۱۱
	جنسیت	۰/۰۲۱			٪۱۶	۸/۲۴
	اثر هم‌زمان دو متغیر	۰/۰۱۷				۳/۶۱

مداوم خود طیف وسیعی از هیجانات منفی مانند خشم و غم را تجربه کنند و قادر به تجربه هیجانات تعدیل‌شده نخواهند بود که از مؤلفه‌های تنظیم درست هیجان است (پارک، ۲۰۱۱). خودارزشمندی پایین در نوجوانان با اختلال تنظیم هیجانی، مرتبط به سیستم یادگیری آن‌هاست، این افراد نمی‌توانند از بروز حالات هیجانی ناخوشایند در خود جلوگیری کنند. یکی از این دلایل به عملکرد مغزی برمی‌گردد بدین صورت که فرد در برابر اضطراب‌ها به نحو ناموفقی دفاع می‌کند و این عدم موفقیت برعکس اضطراب را بالا می‌برد و در طولانی‌مدت به خاطر این فرایند افراد اهدافی برای خود تعیین نمی‌کنند و برخوردی نیز باتجربیات جدید نخواهند داشت و این امر باعث می‌شود که مشکلات هیجانی آن‌ها افزایش یابد و بالابردن خودارزشمندی به صورت‌های گوناگون این رویه نامطلوب را کاهش خواهد داد (بریگانتی، فراید و لینوسکی، ۲۰۱۹) خودارزشمندی متغیری است که نقش قابل‌ملاحظه‌ای در کنترل و تنظیم انواع اختلالات هیجانی ایفا می‌کند و وجود این عامل که سبب‌ساز افزایش عزت‌نفس به‌طور کلی در انسان می‌شود به افراد اختلال هیجانی در جلوگیری از پیشرفت مشکل کمک می‌کند و بنابراین لزوم افزایش عوامل حیاتی و مثبتی چون خودارزشمندی و بهبود آن به نوجوانان مبتلا به اختلال هیجانی کمک ویژه‌ای می‌کند.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد، خودارزشمندی اجتماعی با اختلال در تنظیم هیجان ارتباط دارد؛ و این نتیجه با یافته‌های آرموم و چلپن (۲۰۱۶) مبنی بر ارتباط خودارزشمندی اجتماعی و خودارزشمندی هیجانی؛ سلیکالی^۱ (۲۰۱۴) مبنی بر رابطه بین خودارزشمندی اجتماعی و کارآمدی هیجانی - شناختی؛ لوب، استمپل و ساکسون^۲ (۲۰۱۶) مبنی بر پیامدهای خودارزشمندی

طبق نتایج به‌دست‌آمده با توجه به مقدار P به‌دست‌آمده (۰/۰۱۷) متغیر جنسیت در رابطه بین خود ارزشمندی و اختلال تنظیم هیجان نقش تعدیل‌گری را داشته و در نظر گرفتن جنسیت به‌عنوان تعدیل‌گر ۱۶٪ میزان مجذور R را بهبود بخشید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط خودارزشمندی اجتماعی و خودارزشمندی با اختلال تنظیم هیجان نوجوانان با بررسی نقش تعدیل‌گر جنسیت بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که خودارزشمندی و ابعاد آن با اختلال تنظیم هیجان ارتباط دارد و این نتایج با پژوهش‌های بریگانتی، فراید و لینوسکی (۲۰۱۹) مبنی بر خودارزشمندی مشروط و ارتباط آن با اختلالات هیجانی؛ رحمان، امجد و لیلیا (۲۰۱۹) مبنی بر ارتباط بین هیجانات و خودارزشمندی و پارک، سانچز و برینیلسن (۲۰۱۱) مبنی بر رفتارها و هیجانات ناسازگار و ارتباط با خودارزشمندی و عرب نژاد، مفاخری و رنجبر (۱۳۹۷) همسو است. در پژوهش عرب نژاد، مفاخری و رنجبر (۱۳۹۷) که خودارزشمندی به‌عنوان یک منبع درونی موجب انسجام در خانواده می‌شود و اگر به‌عنوان منبعی بیرونی هم در نظر گرفته شود می‌تواند باعث شود که نوجوانان به رفتارهای پرخطر کمتر دست بزنند و همچنین با کمک خود ارزشمندی توانایی تنظیم هیجانات خود را داشته باشند. نوجوانانی با خودارزشمندی بالا معمولاً از عزت‌نفس خوبی نیز برخوردارند و این امر به آن‌ها ابتکار عمل لازم جهت کنترل و تنظیم هیجانات خویش را می‌دهد و درنهایت از ناسازگاری‌های روانی و رفتاری مثل خشمونت، مصرف الکل و مواد مخدر می‌کاهد. در مقابل خودارزشمندی پایین موجب اختلال‌های هیجانی می‌شود این نظریه نشان می‌دهد که افراد با خودارزشمندی مشروط به دلیل سرزنش

می‌دانند که در آن تفاوت‌های جنسیتی بین دختر و پسر وجود دارد و در مطالعاتی در بزرگسالان هم نشان داده شد که دختران در مهارت‌های اجتماعی و هنری از خوداثرمندی اجتماعی بالایی برخوردارند و در عوض پسران در مهارت‌های منطقی و شغلی خوداثرمندی بالایی از خود نشان می‌دهند البته این امر تحت تأثیر هنجارهای نقش جنسیتی نیز قرار می‌گیرد و این اختلاف و تفاوت از این قضیه نشأت می‌گیرد. براساس کلیشه‌های جنسیتی دختران و زنان در بیان و بروز احساسات بهتر عمل می‌کنند بنابراین خوداثرمندی هیجانی بالایی نشان می‌دهند و در خودکارآمدی اجتماعی نیز به دلیل اینکه دختران به اجتماعی بودن تشویق می‌شوند و اصولاً ماهیت اجتماعی دارند. خوداثرمندی اجتماعی در راستای خوداثرمندی هیجانی عمل می‌کند و دختران از ابتدای دوران کودکی هم در مهارت‌های اجتماعی و هم در مهارت‌های هیجانی تقویت دریافت می‌کنند و مهارت می‌یابند (لوب، استمپل و ساکسون، ۲۰۱۶). دلایل مختلفی می‌تواند تناقضات بین نتایج در تبیین تفاوت‌های جنسیتی را تبیین کند و از جمله دلایل ممکن تعداد شرکت‌کنندگان، شرایط و محدودیت‌های گوناگون است.

از طرفی تفاوت‌های جنسیتی در متغیر خودارزشمندی نیز بررسی شد و نتایج نشان داد که تفاوت‌های جنسیتی معنی‌دار است و دختر و پسر بایکدیگر در خودارزشمندی تفاوت دارند. نوجوان پسر بزرگ‌تر کمتر از کوچک‌ترها از روابط به‌عنوان منبعی برای خودارزشمندی استفاده می‌کنند و برعکس دختران بزرگ‌تر از روابط خود به‌عنوان منبعی برای تقویت خودارزشمندی خود بهره می‌جویند. باوجود این تفاوت‌ها همان‌طور که درک وضعیت و دستاوردهای خود باعث تقویت خودارزشمندی در پسران می‌شود حس همکاری و ارتباط با دیگران خودارزشمندی در دختران را تقویت می‌کند و در هر دو جنس از راه‌های مختلفی در جهت افزایش خودارزشمندی می‌کوشند (وانگ، کروکت، سانچز و سوان، ۲۰۱۳). خلأ پژوهشی بسیاری چه در پژوهش‌های خارجی و چه داخلی، در تبیین تفاوت جنسیتی دختر و پسر در خودارزشمندی وجود دارد اما پژوهش‌های اندک و همچنین یافته این پژوهش تفاوت‌های جنسیتی در خودارزشمندی را تأیید نمودند. این تفاوت نشان می‌دهد که باید از دیدگاه مختلفی به بررسی خودارزشمندی در دختر و پسر پرداخته شود و به عوامل فرهنگی، اجتماعی و ژنتیکی که مسبب این تفاوت هستند توجه بیشتری شود.

مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر خودارزیاب و خودگزارشی بودن متغیرهای آن است که این امر به دلیل استفاده از پرسشنامه طبیعی است و شرکت‌کنندگان به دلایل متعددی ممکن است در ارائه تصویری واقعی از خود سرباز زنند. البته

اجتماعی؛ ولز، موبوس، لچ و ورهید^۱ (۲۰۱۶) مبنی بر خوداثرمندی اجتماعی و اختلالات هیجانی (افسردگی) همسو بود اما در زمینه این ارتباط خلأ پژوهشی در مطالعات داخلی وجود دارد. به‌طور کلی افرادی که خوداثرمندی اجتماعی در آن‌ها بالاست، خوداثرمندی هیجانی بالایی دارند یعنی قادر به تنظیم هیجانات منفی خود هستند و خوداثرمندی اجتماعی به‌عنوان یک فاکتور مؤثر در این کنترل هیجان نقش ایفا می‌کند (آرموم و چلپن، ۲۰۱۶). در پژوهشی دیگر بیان می‌دارند که افرادی با خوداثرمندی اجتماعی بالا، می‌توانند نتیجه مطلوب را حاصل کنند و از بین گزینه‌های موجود در زندگی دست به بهترین انتخاب بزنند این افراد در محیط اجتماعی خود مدام در حال اکتشاف هستند و می‌توانند روی محیط خود تأثیرگذار باشند که این موارد نشان از انعطاف‌پذیری هیجانی بالای آن‌ها است (سلیکالی، ۲۰۱۴)؛ بنابراین انسان‌هایی که در محیط‌های اجتماعی از خود اثرمندی بالایی را نشان می‌دهند می‌توانند مشکلات موجود را با کنترل بر هیجانات و احساسات خود حل کنند مانند این‌که تعارضات را حل می‌کنند، بر ناامیدی‌ها غلبه می‌کنند، حفظ آرامش و مدیریت مشکل خاص از ویژگی‌های آن‌هاست (لوب، استمپل و ساکسون، ۲۰۱۶). برعکس، افرادی که خوداثرمندی پایینی دارند چه نوع اجتماعی و چه از انواع دیگر خوداثرمندی از افسردگی و غم و اندوه بالایی را تجربه می‌کنند و در کنترل و تنظیم آن به مشکل برمی‌خورند و همچنین اگر به اختلال استرس پس از سانحه نیز دچار شوند به سختی با این مشکل کنار می‌آیند (ولز، موبوس، لچ و ورهید، ۲۰۱۶). این نکته قابل توجه است که متغیر خوداثرمندی اجتماعی از طرق مختلفی بر هیجانات به خصوص تنظیم و تعدیل آن تأثیرگذار است و افراد با خوداثرمندی اجتماعی بالا قادر به کنترل هیجانات منفی مثل اضطراب، افسردگی خواهند بود و خود را با موقعیت‌های چالش برانگیز مختلف به راحتی وفق می‌دهند.

در تحلیل تفاوت‌های جنسیتی و نقش تعدیل‌گری جنسیت، نتایج پژوهش نشان داد که جنسیت در رابطه بین خوداثرمندی و اختلال تنظیم هیجان نقش تعدیل‌گری ندارد و این پارامتر معنی‌دار نمی‌باشد. نتایج پژوهش سالورا، یوسان و جاری^۲ (۲۰۱۷) مبنی بر تفاوت جنسیتی در رابطه بین خوداثرمندی در اجتماع و کنترل هیجانی و وانگ (۲۰۱۳)؛ مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی در خوداثرمندی (اجتماعی) همسو با نتایج پژوهش حاضر بود و جنسیت رابطه‌ای با خوداثرمندی اجتماعی نداشت و به عبارتی دختر و پسر تفاوت معنی‌داری در خوداثرمندی اجتماعی نشان ندادند. در پژوهشی دیگر محققان خوداثرمندی اجتماعی را باعث افزایش رفتارهای اجتماعی مثبت در محیط

- Abdel-Khalek, A. M., & Lester, D. (2017). The association between religiosity, generalized self-efficacy, mental health, and happiness in Arab college students. *Personality and Individual Differences, 109*, 12-16.
- Armum, P., & Chellappan, K. (2016). Social and emotional self-efficacy of adolescents: measured and analysed interdependencies within and across academic achievement level. *International Journal of Adolescence and Youth, 21*(3), 279-288.
- Baltes, P. B., & Schaie, K. W. (Eds.). (2013). Life-span developmental psychology: Personality and socialization. *Elsevier*.
- Boyd, K., Lawrence, K., Brooks, J., Perkins, P., & Clark, V. R. (2018). Relationship Contingent Self-Worth: The Role of Happiness, Well-Being, Self-Esteem, and Depression. *Journal of Black Sexuality and Relationships, 4*(4), 17-31.
- Briganti, G., Fried, E. I., & Linkowski, P. (2019). Network analysis of Contingencies of Self-Worth Scale in 680 university students. *Psychiatry research, 272*, 252-257.
- Bullis, J. R., Boettcher, H., Sauer-Zavala, S., Farchione, T. J., & Barlow, D. H. (2019). What is an emotional disorder? A transdiagnostic mechanistic definition with implications for assessment, treatment, and prevention. *Clinical Psychology: Science and Practice, 26*(2).
- Çelikkaleli, Ö. (2014). The relation between cognitive flexibility and academic, social and emotional self- efficacy beliefs among adolescents. *Egitim ve Bilim, 39*(176).
- Connolly, J. (1989). Social self-efficacy in adolescence: Relations with self-concept, social adjustment, and mental health. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement, 21*(3), 258.
- Crocker, J., Karpinski, A., Quinn, D. M., & Chase, S. K. (2003). When grades determine self-worth: consequences of contingent self-worth for male and female engineering and psychology majors. *Journal of personality and social psychology, 85*(3), 507.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of*
- کوشش بسیاری به عمل آمد که به دانش آموزان اطمینان داده شود که نام و اطلاعات دیگر کاملاً محرمانه است. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی ارتباط سایر عوامل مثبت مانند متغیرهای پژوهش حاضر بر روی اختلال تنظیم هیجان بررسی شود و بهتر است از نظر جغرافیایی نوجوانان مناطق دیگری نیز بررسی و مطالعه شوند. در خاتمه لازم است کمال امتنان و قدردانی از همکاری تمام شرکت‌کنندگان این پژوهش و مسئولان مدارس که یاریمان دادند را ابلاغ نماییم.
- ### منابع
- امیری، س.، قاسمی نواب، ا.، و جمالی، ی. (۱۳۹۷). مقایسه تنظیم هیجانی مثبت و منفی، توانایی شناختی و خود ارزشمندی در نوجوانان تیزهوش و عادی. *فصلنامه روان‌سنجی*. ۷(۲۶)، ۱۰۹-۱۲۱.
- بهداردی خسروشاهی، ج.، حبیبی کلپیر، ر.، و فرید، ا. (۱۳۹۶). رابطه جهت‌گیری هدف پیشرفت و خودارزشمندی با کمک خواهی تحصیلی دانش آموزان. *مجله پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*. ۱۱(۴۶)، ۱-۲۲.
- رضائی، ل.، مصطفایی، ع.، و خانجانی، ز. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای تحول اخلاقی، نوع‌دوستی و خودکارآمدی اجتماعی در دانش آموزان تیزهوش و عادی دبیرستان‌های شهر ارومیه در سال تحصیلی ۹۱-۹۰. *مجله آموزش و ارزشیابی*. ۷(۲۵)، ۲۹-۴۱.
- سپهوند، ت.، و مرادی، ف. (۱۳۹۷). مقایسه تنظیم هیجان و انعطاف‌پذیری شناختی در نمونه‌های غیربالینی نوجوانان با علائم اختلال اضطراب فراگیر و اختلال اضطراب اجتماعی. *مجله روانشناسی بالینی*. ۱۰(۴۱)، ۲۳-۳۴.
- شعبانی خدیو، ا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ارضاء نیازهای بنیادی روانی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با اختلال تنظیم هیجانی دانشجویان کارشناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان. *پایان کارشناسی/ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات کردستان*.
- عثمانی، ه.، و شکری، ل. (۱۳۹۸). اثربخشی درمان فراتشخیصی یکپارچه بر نظم‌جویی شناختی هیجان و همدلی شناختی دانش‌آموزان با اختلال رفتار برونی‌سازی شده. *مجله توانمندسازی کودکان استثنایی*. ۱۰(۱)، ۱۲۵-۱۳۶.
- عرب نژاد، ش.، مفاخری، ع.، رنجبر، م. (۱۳۹۷). نقش انسجام خانواده و خودارزشمندی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش آموزان مقطع متوسطه اول. *مجله مطالعات روان‌شناختی*. ۱۴(۱)، ۱۴۷-۱۶۲.
- گلستان، ع.، سالمی خامنه، ع.، و ضرغامی، ا. (۱۳۹۷). مقایسه سبک‌های هویتی، خودکارآمدی و هوش هیجانی در نوجوانان عادی و نوجوانان با اختلال رفتاری. *مجله توانمندسازی کودکان استثنایی*. ۹(۳)، ۹۹-۱۰۹.

- Growth Initiative: A study on Undergraduate University Students of Gujranwala, Pakistan. *Journal of Advanced Research in Humanities and Social Science*, 6(4), 1-8.
- Salavera, C., Usan, P., & Jarie, L. (2017). Emotional intelligence and social skills on self-efficacy in secondary education students. Are there gender differences?. *Journal of AKA Adolescence*, 60, 39-46.
- Sellers, R., Warne, N., Pickles, A., Maughan, B., Thapar, A., & Collishaw, S. (2019). Cross-cohort change in adolescent outcomes for children with mental health problems. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 60(7), 813-821.
- Tak, Y. R., Brunwasser, S. M., Lichtwarck-Aschoff, A., & Engels, R. C. (2017). The prospective associations between self-efficacy and depressive symptoms from early to middle adolescence: A cross-lagged model. *Journal of youth and adolescence*, 46(4), 744-756.
- Tsai, W., Wang, K. T., & Wei, M. (2017). Reciprocal relations between social self-efficacy and loneliness among Chinese international students. *Asian American Journal of Psychology*, 8(2), 94.
- Volz, M., Möbus, J., Letsch, C., & Werheid, K. (2016). The influence of early depressive symptoms, social support and decreasing self-efficacy on depression 6 months post-stroke. *Journal of affective disorders*, 206, 252-255.
- Weiss, N. H., Sullivan, T. P., & Tull, M. T. (2015). Explicating the role of emotion dysregulation in risky behaviors: A review and synthesis of the literature with directions for future research and clinical practice. *Current opinion in psychology*, 3, 22-29.
- psychopathology and behavioral assessment*, 26(1), 41-54.
- Huang, C. (2013). Gender differences in academic self-efficacy: a meta-analysis. *European journal of psychology of education*, 28(1), 1-35.
- Kanat-Maymon, Y., Almog, L., Cohen, R., & Amichai-Hamburger, Y. (2018). Contingent self-worth and Facebook addiction. *Computers in Human Behavior*, 88, 227-235.
- Kwang, T., Crockett, E. E., Sanchez, D. T., & Swann Jr, W. B. (2013). Men seek social standing, women seek companionship: Sex differences in deriving self-worth from relationships. *Psychological Science*, 24(7), 1142-1150.
- Loeb, C., Stempel, C., & Isaksson, K. (2016). Social and emotional self-efficacy at work. *Scandinavian Journal of Psychology*, 57(2), 152-161.
- Olenik-Shemesh, D., & Heiman, T. (2017). Cyberbullying victimization in adolescents as related to body esteem, social support, and social self-efficacy. *The Journal of genetic psychology*, 178(1), 28-43.
- Park, L. E., Sanchez, D. T., & Brynildsen, K. (2011). Maladaptive responses to relationship dissolution: The role of relationship contingent self-worth. *Journal of Applied Social Psychology*, 41(7), 1749-1773.
- Probst, J. R. (2019). *A Causal-Comparative Analysis of Mathematics Self-Efficacy Based on Gender and Math Acceleration*. (Doctoral Dissertation). Liberty University.
- Rehman, S., Amjad, A., & Laila, U. (2019). Relationship between Emotional Intelligence, Self-worth and Personal

Investigating the Relationship between Social Self-Efficacy and Self-worth with Emotional Regulation Disorder in Adolescents: Gender moderator role

Roshanak khodabakhsh Pirklani*

Narges Ensanimehr**

Reza nabizadeh***

Laleh Ensanimehr****

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the relationship between social self-efficacy and self-worth with adolescent emotion regulation disorder along with the study of gender moderator role. The statistical population of the study was all high school students (160 people; 80 girls and 80 boys) in the second semester of the academic year 2019-2020 in Districts 1 and 2 of Tehran, who were selected using random cluster sampling. The method of this research was descriptive and correlational in order to collect information from social self-efficacy SSQ questionnaires (Connolly, 1989), CSWS self-worth questionnaires CSWS (Crocker, Karpinski, Quinn, & Chase, 2003) and emotion regulation disorder DERS (Gratz, & Roemer), were used. Data of this study were analyzed using Pearson correlation and stepwise regression using SPSS23 software. The results showed that social self-efficacy and self-worth had a significant relationship with emotion regulation disorder in adolescents ($P < 0.05$). On the other hand, the role of gender moderation in the relationship between self-worth and emotion regulation disorder was significant ($P < 0.05$), but this role of moderation was not established in the relationship between social self-efficacy and emotion regulation disorder ($P < 0.05$). Based on the findings, it can be concluded that self-efficacy and self-worth are associated with emotion regulation disorders in adolescents. Therefore, it is necessary to advise counselors and experts to obtain the necessary information in the field of strengthening and improving factors such as social self-efficacy and self-worth to help improve the quality of life of adolescents with emotional disorders.

Keywords: emotion regulation disorder, social self-efficacy, self-worth, adolescent

* **Corresponding Author:** Associate Professor of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. **Email:** rkhodabakhsh@alzahra.ac.ir

** Ph.D. student in psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.

*** M.A Student in career Counseling, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.

**** M.A in psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.